

غدیر خم و روند یک دمکراسه الهی

وحید حسینی

گزارش

یک امر الهی بود اما عمو زادگان محمد تاب این موضوع را نداشتند و توطئه علیه حضرت علی از آن روز باز شدت گرفت و حتی کار به جایی رسید که بعد از اینکه حضرت محمد را مسموم و حضرت علی در بالای بالین او و در کنار بستر آن حضرت بود، ابوبکر و بقیه اصحاب در سقیفه در حال انتخاب جانشین مجدد بعد از رسول الله برای امت بودند و بر هیچ کس نقش ابوسفیان به عنوان رئیس قبیله بنی عبد شمس در واقعه سقیفه پوشیده نیست اما در آن لحظه ای که در سقیفه جمع شده بودند و میخواستند برخلاف انتخاب رسول خدا، برای بار دوم با دسیسه سران قبایل با این شعار که خلافت و امامت در یک نیام نمیگنجد، جانشین آن حضرت را انتخاب کنند، باز هم عده کثیری از مهاجرین و بزرگان قبیله رسول خدا در آن جمع حاضر نبودند و یا آنهایی که بودند چون به واقعه غدیر خم آگاه بودند در انتخاب ابوبکر را همراهی نکردند و این جنبش مردی علیه خلفای اول تا سوم را شکل داد تا در نهایت منجر شد تا در نهایت نیز حضرت علی به عنوان خلیفه بر حق رسول خدا را مردم به خلافت بنشانند.

اما در این میان باید عرض کرد که حضرت علی چنان انسان وارسته، عالم و عاقلی بود که حتی با وجود اینکه میتوانست از ابتدا بر این حق خود حتی با شمشیر ممارست کند اما بخاطر پاشیده نشدن شالوده بنیادی دین اسلام که برایش زحمات زیادی کشیده بودند، حدود ۲۵ سال رنج ها و درد هایی را متحمل شود که به واقع خارج از تحمل هر انسانی با آنهمه قدرت بود. او که داماد حضرت محمد و پسر عم او و تنها دختر خود را به وی به عنوان همسری داده بود را در این راه به شکل دردناکی از دست داد و توسط هم کیشان و صحابه رسول خدا در مظلومیت به شهادت رسید ولی باز در کمال مردانگی و بخاطر حفظ دین اسلام سکوت کرد.

از خصائص آن حضرت به واقع هر چه بگوئیم کم و شاید تکرار ناپذیر باشد اما باید عرض کرد که این مرد بزرگ علاوه بر اینکه یک چهره دلیر، شجاع، جنگ آور بود نیز یک عالم علم و مجتهد دین هم محسوب میشد و از وی کرامات بسیار و معجزات زیادی نیز نقل گردیده است که خود این کرامات و شناخت رسول خدا از وی میتوانست مهمترین دلیل برای انتخابش توسط رسول الله در غدیر باشد.

در جلد سوم از کتاب دوم ناسخ التواریخ و وقایع اقالیم سبعة معجزت زیادی از حضرت علی(ع) نقل شده که یکی از آن ها بی ربط به واقعه غدیر خم نیست. آن حضرت فرمود که غلام ثقفی آنست که این شهر را فرو می گیرد و پرده های حشمت و حرمت مردم را چاک میزند و سر این غلام باهلی را نیز از تن دور می کند. حاضرین گفتند که چند سال بر این مملکت فرمانگذار باشد؟! فرمود که بیست سال مگر چیزی کمتر باشد. گفتند که غلام ثقفی کشته میشود یا در فراش جان میدهد و فرمود که در فراش جان میدهد به زحمت و درد شکم و سر او را سوراخ میکنند از کثرت آنچه از بطن او دفع میشود و اسماعیل بن رجا گوید که سوگند به خدای حاضر بودم وقتی اعیان باهلی را با جماعتی از جیش عبدالرحمن بن محمد بن اشعث بن قیس الکندی اسیر گرفتند و به نزدیک حجاج آوردند و شعری که تحریض عبدالرحمن نجیک حجاج گفته بود بر او قرائت کردند و هم در آنمجلس گردنش را بزدند.

در هر صورت غرض از بیان این موارد در خصوص واقعه غدیر و انتخاب برتر برای جانشینی امتی که به تازگی از عقاید کهنه و وحشیانه خود دست کشیده و به اسلام روی آورده بودند هم از نظر عقلی جای تامل دارد، هم از نظر شرعی و هم از نظر احادیث متواتر شیعه و سنی و جای شکی برای این موضوع نمیگذارد که جمعی از اقوام و عموزادگان رسول خدا که به زور و دسیسه به اسلام گرویده بودند دست به تحریف و نادیده انگاشتن این قضیه زدند و نتیجه این دشمنی را در سقیفه نشان دادند و این ها همه روند پایداری اسلام ناب محمدی گشتند تا حق و باطل از همان ابتدا در این مذهب الهی مشخص و راه خود را جدا کنند و آنها که گفتند علی مع الحق و الحق مع علی تا امروز نیز خط خود و سادات این سلاله را از نیاکان سفیانی ها جدا کردند و هیچ گاه هم این دو در یک ظرف قرار نخواستند گرفت و امروزه نیز در تحرکات سیاسی منطقه خاورمیانه میتوان دشمنی حق و باطل را در این مکتب الهی به وضوح مشاهده کرد.

وحید حسینی - کارشناس ارشد زبان های باستانی

آنچه همه ما در مورد واقعه غدیر خم میدانیم این بود که حضرت محمد(ع) در این روز جانشین خود را برای رهبری امت خود انتخاب میکند و اذعان می کند که این یک خواسته الهی و تصمیمی است که از جانب خداوند گرفته شده و همگان باید از این تصمیم پیروی کنند و بعد از آن باز در ادامه مباحث خود در آن روز آیه ای دیگر را که به آیه اكمال معروف است برای آن جمعیت بسیار عظیم مهاجرین و انصار میخواند و میگوید که امروز من دیگر دینم را برای شما تکمیل کردم ...

اما بواقع چرا روند تاریخ بعد از آن روز شکل دیگری به خود گرفت و عده کثیری از مسلمانان از دستورات پیامبر الهی سر باز زدند و در امر جانشینی بجای عمل به سخنان پیامبر، راه دیگری را در پیش گرفتند و جانشینان دیگری انتخاب کردند؟!!

این موضوع انقدر مهم هست که میتوان آن را از منظر های مختلفی سیاسی، اجتماعی و فقهی مورد مطالعه و بررسی قرار داد و پیگیری کرد.

شاید در این خصوص ابتدا باید به بحث جانشینی این امت بعد از رسول خدا پرداخت و بیان کرد که حضرت محمد خود نیز از ابتدای شروع حرکت انقلابی و پر خطر خود که میبایست در مقابل عده زیادی از اقوام و قبایل بدوی و خونخوار قرار گیرد و با کلام الهی نه تنها آنها را متقاعد کند که باید راه و روش زیستن خود را عوض کنند بلکه باید به راه و روش الهی ای که او آورده، ایمان بیاورند تا رستگار شوند.

اما به واقع میتوان با مطالعه زندگی حضرت محمد در آن زمان که مردمان به صورت قبیله های بسیار بزرگ و متعصب نسبت به هم، پدران و اعتقاداتشان به این نکته رسید که جز با همراهی یک نیروی برتر و الهی، او نمیتوانست در این راه پیروز شود.

او که در اواسط راه خود پی برده بود دیگر در رسالت خود در حال موفق شدن است، قطعا به فکر جانشین خود بوده اما چرا از آن حضرت سلاله و فرزند پسری که جانشین به حق برای امتش باشد بدنیا نیامد و فقط تنها فرزند آن بزرگوار حضرت فاطمه به عنوان وارث بر حق او ماند؟!!

این واقعه و جمع کردن این تعداد انسانها که در بعضی از احادیث حتی تعداد آنها را دوازده هزار نفر نیز نقل کرده اند در گرمای زیاد این سرزمین با این همه سختی قطعا باید محتوای آنچنان مهمی داشته باشد که به هیچ عنوان نمیشود این واقعه را دید ولی محتوای آن را تحریف کرد.

هیچ محتوایی هم مهم تر از انتخاب جانشین بعد از خود برای امتش نمیتوانست در آن روز و با حضور آن همه جمعیت مطرح شود و حتی شرق شناسان غربی مانند مادلونگ نیز به درستی این موضوع اذهان کرده اند و حتی گفته اند که هیچ شخصی نمیتوانست بر جانشینی حضرت علی ارجحیت داشته باشد.

حضرت محمد (ص) که در آن روز مصادف با ۱۸ ذی الحجه بود با نقل آیاتی که همان هنگام به او وحی شده بود گفت که؛ با اینکه شما ها میدانید ولایت و سرپرستی من بر شما سزاوار است و مردم در آن جمعیت همگی به این گفته او با فریاد صحه گذاشتند، پس در ادامه گفت که؛ هر کس که تا کنون من مولای او بودم، از این پس علی (ع) مولای اوست و این جمله را تکرار کرد و گفت که هر کس با علی دوست باشد پس خداوند با او دوست و هر کس با او دشمن باشد پس خداوند با او دشمن است و با صدای بلند بر بلندای تلی که از جهاز شتران درست شده بود گفت که این پیغام را به غائبان این جمع نیز برسانند. این موضوعی مهم بود که در آن لحظه در حال شکل گرفتن بود و حضارانی که در آن روز بودند مانند عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، زین بن عوام، جابر بن عبدالله انصاری، عایشه بنت ابوبکر، ابوهریره و سایر صحابه در آن لحظه شاید از روی ناچاری به علی(ع) تبریک گفتند و او را مولای خود خطاب کردند و حتی در خیمه ای که به دستور پیامبر برای علی زده شده بود تا همگان برای ادای احترام و بیعت با او در خیمه به وی سلام دهند، حاضر بودند و حدیث این واقعه را نیز اهل سنت متواتر نقل کرده اند و هیچ شکی در آن نیست که انتخاب حضرت محمد یک انتخاب عقلانی با حمایت عده کثیری از صحابه و